

# جبهه ملی ایران

خبرنامه

استقرار محاکمات ملی  
در جبهه ملی ایران است

شماره (۸۲) دوشنبه شانزدهم  
بهمن ماه ۱۳۵۷

## تندیس همگیز

در یکی از روزنامه‌ها خبری درج شده مبنی بر اینکه گروهی در صدد هستند از دکتر مصدق پیشوای درگذشته ملت پیکره‌ای بسازند. دکتر مصدق کیار، هنگامیکه نهضت ملی در اوج شکوفایی بود صریحا "اعلام کرد" لعنت بر کسی که از من تندیس بسازد.

در تاریخ ملت‌ها، شخصیت‌هایی وجود دارند که سیاهی سترگشان، وجوه وجودشان در دل همگان نقش بسته و اثرشان همیشه با مردمان در سراسر تاریخ درجوسان است.

سایه حافظ، از میان غوغای اتابکان فارس، نه تنها بسرمت بر سراسر خطه ایران، بلکه بردن‌های ادب دوست روزگارش افتاد و از آن به بعد تا با مروز، حافظ با یکا یک مردم ایران و زنده‌دلان سوخته زندگی می‌کنند.

فردوسی، امیر کبیر و سایر شخصیت‌هایی که هر یک اثری بزرگ بر تاریخ داشته‌اند بدون داشتن هیچ پیکره‌ای، یادشان همواره با مردم میهنشان نبوده است.

دکتر مصدق نیز، با آن اثرشگرفش، با نهضت بزرگش، با تاریخ ساز عظیمش نه تنها همواره یادش در نهاد هر ایرانی، بل روحش، روح و آوازی طلبش خون وطن دوستان و آزادی‌طلبان این مرز و بوم عجین شده و ملت ایران می‌هیچ یادآوری و تندیس، همیشه یادآور او خواهد بود و هر روز راهی که در سخت‌ترین برهه زمان، دل‌آوری او در تاریخ ایران زمین گشود.

## سخنرانی دکتر سنجابی دبیرکل جبهه ملی ایران

دکتر سنجابی دبیر هیات اجرائیه جبهه ملی ایران در روز شنبه چهاردهم بهمن ماه در سالن بزرگ معنوی بافته و برای کارکنان آن سازمان سخنرانی کرد.

دکتر سنجابی پس از اشاره به زمان شروع کار سازمان بزرگ معنوی و تدوین برنامه پنجساله اول و سمت و مسئولیت‌هایی که ایشان در آن برنامه داشته‌اند و از شکر با توجه به درآمدهای رفت در سال‌های اخیر دستگاز حکومتی ایران در موقعیتی بی‌نظیر قرار گرفت که می‌توانست بسا برنامه‌ریزی درست و اجرای صحیح آن استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را بدست آورده و آنرا حفظ کند و از هیچ سوشی هم مورد خطر و تهدید قرار نگیرد ولی چنان دست چپا ول و تاراج به این درآمدها آورده‌اند که ملکت ما را به فلاکت کنونی دچار ساخته‌اند.

آقای سنجابی همچنین گفت: ما برای صنایع خودمان احترام قائلیم و می‌خواهیم صنایع داخلی را حمایت و ترغیب و تشویق کنیم، صنعت واقعی، نه صنعت استعماری به شکل صنعت مونتاژ، نه صنعتی که برای کمک به اقتصاد کشورها بیگانه باشد.

ایشان در پایان سخنان خود خاطر نشان ساخت: ملکت ما فقیر نیست، ما کوشش می‌کنیم... بقیه در صفحه ۲

## دوره دوم حکومت ساواک

امروز دیگر برای همه مردم، قطعی و مسلم شده که حکومت غیر قانونی بختیار، ساواکی‌ترین حکومت بیست و پنج سال اخیر ایران است. خود او بیش از همه نخست‌وزیران غیر قانونی این ربع قرن، تسلیم و بی‌اراده در برابر خواسته‌های سازمان امنیت اگر با کمی دقت به خطابه‌ها و مصاحبه‌ها و پیام‌های مکرر و هر روزی بختیار گوش بسپاریم، خیلی آسان به مغشوش‌گویی‌ها و حد درمانندگی‌اش در مقابل تمايلات ضد انسانی و ضد ملی ساواک پی می‌بریم، وهم می‌توانیم درک کنیم که این موجود مرکب شریف اما می‌آزاری حتی مثل‌هایی که می‌زند و نمونه‌هایی که ارائه می‌دهد، عینا "همان‌هاست که سازمان امنیت در اختیار شریف اما می‌آزاری می‌گذاشت. تنها تفاوتی که در این میان احساس می‌شود این است که دو نخست‌وزیر غیر قانونی قبلی - شاه ایشان - هرگز پیروزی‌هایی را که ملت به دست آورده بود به حساب خود نمی‌گذاشتند و اقدامی کردند که تغییرات موجود، حاصل کوشش بیگانه انقلاب و جان فشان مردم با ایمان است. حال آنکه بختیار، آزادی نسبی مطبوعات گرفته تا اخراج شاه، آزادی زندانیان سیاسی گرفته تا بازگشت شورآفرین حضرت آیت‌الله العظمی خمینی را، رسماً و جداً، نتیجه کوشش‌های شخص خود می‌دانند و لحظه‌ای از تکیه بر این نکته بلاهت آمیز که "من، چنین و چنان کردم" باز نمی‌ایستد.

او فقط شهادت مبارزان را نتیجه کوشش‌های خود نمی‌شمارد و معتقد است که این جرمیست که خود شهدا مرتکب می‌شوند تا حکومت او را لکه دار کنند و نظم را به هم بزنند. بدیهیست که احتیاجی نیست به یا بدبختیار ریبیا و ریبم که او در هیچ یک از پیروزی‌های ملت کمترین سهمی ندارد، چرا که خود، این ساله را به درستی می‌دانند و می‌دانند که آنچه او در این مدت مایل به انجامش بوده صرفاً "ایجاد تفرقه در صفوف مردم و شکل دادن مجدد به حزب رستاخیز و باز آوردن شاه بوده است و بالاتر از همه وسعت بخشیدن به عملیات ساواک و واسپردن حکومت به طراحان امنیتی آمریکا، اسرائیل و ایس‌ران. نمونه‌های متعددی از تسلط مجدد ساواک بر حکومت می‌توانیم ارائه بدهیم:

انحلال ظاهری اداره‌های حفاظت کثیف‌ترین شوخی ساواک است که هنوز خود را تنها دولت می‌شناسد. آنچه هر روز و مکرر گفته می‌شود این است که "اداره حفاظت فلان موسسه منحل شد و کارکنان آن به سایر بخش‌های آن موسسه منتقل شدند."

سازمان امنیت با دولت بختیار، با این توضیح احمقانه اینطور جلوه می‌دهد که کارمندان اداره‌های حفاظت هرگز در سایر بخش‌ها پراکنده نبوده‌اند، بلکه همه آنها در یک اتاق جمع می‌شده‌اند و نسبت به هم جاسوسی و خبرچینی و خیانت می‌کرده‌اند، حال آنکه همه - حتی بچه‌های هفتساله هم - می‌دانند که بجز ماء مور اطلاعات بقیه افراد سازمان حفاظت... بقیه در صفحه ۲

ما آزادی و استقلال را به بهای شهادت خواهیم انیم

بقیه دوره دوم...

در بخش های مختلف موسسات پراکنده بوده اند و وظیفه ایشان چیزی جز زیرپاگشی، جاسوسی و لو دادن افراد مبارز نبوده است. بنا بر این حرفی ابلهانه تراز اینکه "افراد سازمان امنیت هر اداره، به سایر بخش های همان اداره منتقل شدند" وجود ندارد، و این شوخی چندش آورده دقیقا "به این معنی است که هنوز افراد سازمان امنیت همه قسمت های موسسات مختلف حضور دارند و وظیفه جاسوسی و خیانت به مردم را به نحو احسن انجام می دهند.

نمونه و بیخانه دیگر، نامه هایی است که ساواک به مطبوعات می نویسد و مردم مبارز و مجاهدان را متهم می کند که "با بیرحمی و خشونت ماء موران بیگناه و مظلوم ساواک را می کشند!!" این نامه ها که مسلما "موردتاء" بیدشخص بختیا رهم هست نشان می دهد که ساواک موضع خود را در شکنجه دادن و کشتن مردم، موضع رسمی و مجوسی دولت می شناسد و گذشته شدن یک شکنجه گرا به وسیله مردم، بیرحمی و شقاوت انقلاب غیرقانونی می دانند.

تسلط ساواک بر رادیو-تلویزیون و بخش خبرهای دروغ و تغییر ماهیت یافته و خبرسازهای قلابی به نقل از خبرگزاریها و مطبوعات غیرواقعی خارج نیز نمونه دیگری در این زمینه است. تنها موردی که از جدا کردن ماء موران ساواک از دیگران به چشم می خورد، در همین رادیو-تلویزیون است چرا که ساواک مجبور شده "ماء موران و کارکنان و منابع اطلاعاتی خود را گرد آورد تا بزنا به های آزار دهنده بی ترتیب بدهند و اعصاب مردم را تحریک و آزار دهند و به نظر خود، ملت را شکنجه روحی بدهند، و ضمنا "تظا هر کسند به اینکه اعصاب ها یک یک در حال شکستن اند!

هجوم های مسلحانه به خانه ها در روز روشن، حمله های شبانه به مغازه های مبارزان و غارت آنها در ساعات منع عبور و مرور، رهبری جماعت بدستان در حمله به شهرها و کشتن زنان و بچه ها، ایجاد انفجارهای قلابی در داخل مواضع نظامی به قصد داشتن سربازان به تیراندازی به سوی مردم، قطع برنامه و ورود خمینی و پخش سرود ضد ملی، تجمع ساواکی ها در حزب "طرفداران قانون اساسی"، غارت تعاونی های اسلامی، ممانعت از دریا فبتو تحویل گالاهای ضروری مردم از گمرک، آتش زدن قلعه (به استناد اینکه چرا این زنا بیچاره در بیست و هشت مرداد سال ۳۲ به حمایت شاه برخاستند اما در شرایط فعلی حاضر به همکاری با بختیا رنستند) بسج کردن افراد به ظاهر چپ گرای تندرو به قصد برانگیختن خشم مردم و ایجاد چند دستگی، بسیاری حرکات شنیع که ساواک می گوید آنها را "اقدامات نظا میسان و سربازان" قلمداد کند، و صدها مساله نظیر اینها که دائما "اتفاق می افتد، جای هیچگونه تردیدی باقی نمی گذارد که بختیار، آلت فعل در مانده" سازمان امنیت است و تبلیغ گوی این سازمان - که از سه مرکز سر هدایت و رهبری می شود: مرکز شکنجه گران معسروف ساواک که به عنوان اخراج از ساواک، سازمان امنیت دوم را تشکیل داده اند، سازمان امنیت اسرائیل که تمام نیروی خود را برای درهم کوبیدن انقلاب ایران به کار می برد، سازمان جاسوسی سیا که رسما "در ایران به فعالیت مشغول است.

و در قبال همه اینها چه آگاه و هشیار استملت انقلابی ایران، که بر سر هر کوجه و بازار، همه اینها را به راه حتی می گوید و می گوید که این بختیا ر دست نشا شده، مفلوک ساواک را همراه ساواک دوم، خیلی زود بیه خاک می سپارد....

در قبال همه اینها چه آگاه و هشیار استملت انقلابی ایران، که بر سر هر کوجه و بازار، همه اینها را به راه حتی می گوید و می گوید که این بختیا ر دست نشا شده، مفلوک ساواک را همراه ساواک دوم، خیلی زود بیه خاک می سپارد....

تک شماره (۱۰) ریال

بقیه سخنرانی... یک جا معه جدید، ایران نوین و خود بسا وریم، ایرانی آزاد و مستقل و ایرانی که در آن عدالت جماعی وجود داشته باشد و از استبداد و دیکتاتور ی خبری نباشد، نه در آن استعمار باشد و نه استعمار، انقلاب کنونی ملت ایران دویاره انگوشی خواهد بود برای کلیه کشور های تحت استعمار و استعماریها نگونه که هر جنبش اجتماعی ایران چنین نقشی را در شرق داشته است.

### سرباز زخمی جبهه ملی ایران

خانواده قهرمان پرور و شگین آبادی که با شهادت محمدرکرم پسر دلاورشان به صف طولانی خاندان بزرگ شهادت پیوستند در روز جمعه ششم بهمن ماه فرزندان دیگرشان علی کریم هنگامی که سرایا اعتراض و فریاد بود بفریب گلوله دژخیمان بسختی آسیب دیده با سیاسی از درگاه خدای بزرگ که علی کریم، سربا زد دیگر جبهه ملی هنوز زنده است و تمنای بهبودی او، پدر و مادرش را که چشم سراهای آزادانه هستند بیداشتن چنین فرزندانسی شهیدت می گوئیم.

### نامه اعتراضی

خواهشمند است:

با توجه بقانون مطبوعات موارد مشروحه ذیل را در جواب روبا بطعمومی صنعت نفت که تحت عنوان کلیه حقوق کارکنان خطوط لوله و مخا براتوی پرداخت شده و در شماره ۳۲۷۷ مورخ ۱۱ بهمن ۵۷ صفحه ۸ روزنامه آیندگان قید شده بود مرقوم فرمائید:

۱- توجه روبا بطعمومی شرکت نفت را به پاکان حقوق نیمه دوم دیماه کارگران جلب می نماید که دستمزد عقب افتاده کارگران فقط در چهار نیمه محاسبه گردیده و پرداخت نموده اند و جمع ساعات کار در روبروی پاکان حقوق مبین موضوع فوق است.

۲- علی الحسابی که روبا بطعمومی ادعای پرداخت آنرا از اول آذر دارند، محتنداشته و دوما "ناقص قانون کاری که مورد قبول خودشان است میباید. چرا که طبق ماده فصل پنجم / ماده ۲۴ قانون کار پرداخت حقوق کارگران از دیون ممتازا زکا فرما میباید شد.

۳- در ضمن یادآور میشود که تا کنون کلیه حقوق کارگران از اول مهرماه تسویه حساب نگردیده است. سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت ایران - کمیته خطوط لوله و مخا براتری.

### مهندسین وابسته به جبهه ملی ایران

مهندسین وابسته به جبهه ملی ایران نیز همانند سایر گروه های وابسته فعالیت سازمانی خود را بعنوان "شورای موقت مهندسین وابسته به جبهه ملی ایران" آغاز کرده و برای گسترش همه جانبه سازمان خود از مهندسینی که معتقد به آرمانها و هدفهای جبهه ملی ایران هستند برای پیوستن به این سازمان دعوت به عمل آوردند.

### کمیته جبهه ملی

بازاریان و اصناف حق طلب انزلی از روزها زشتیه با زدهم بهمن ماه، با بستن مغازه ها همبستگی خود را با مردم ایران اعلام داشتند. مبارزان انزلی با تشکیل کمیته جبهه ملی ایران نگام برزگی در راه وحدت برداشتند.

# گستردن پیوندهای ضد ملی و ضد ایمانی